

تفسیر قرآنی جهاد کبیر

اما منظور از جهاد کبیر که قرآن کریم به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که آن را در پیش بگیرد چیست؟

رهبر معظم انقلاب در توضیح این امر و تفسیر آیه مد نظر به ویژه تفسیر مرجع ضمیر «به» در دو سخنرانی مختلف به دو تفسیر مختلف اشاره کردند.

۱- جهاد کبیر به وسیله قرآن

در دیدار با دانشجویان دانشگاه امام حسین(ع) که اولین بار مفهوم جهاد کبیر را به کار بردند، به تفسیر رایج در متون تفسیری شیعه از جمله نظر مرحوم طبرسی در مجمع البیان اشاره و قرآن را مرجع ضمیر «به» دانستند که در این صورت جهاد کبیر شق سوم از جهاد در کنار دو گونه دیگر جهاد اکبر و اصغر است. یعنی دستور اکید خداوند به پیامبر(ص) برای عدم اطاعت و به تبع آن، پیروی و تبعیت نکردن از دشمنانی که برای مصاد با مسلمانان و اسلام آرایش گرفته‌اند، به وسیله هدایت‌های قرآن است: «امروز جنگ نظامی مطرح نیست؛ امروز برای کشور ما جنگ نظامی سنتی و متعارف احتمال بسیار بسیار ضعیفی است لکن جهاد باقی است؛ جهاد یک چیز دیگر است. جهاد فقط به معنای قتال نیست، فقط به معنای جنگ نظامی نیست؛ جهاد یک معنای بسیار وسیع‌تری دارد. در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده: و جاهدیم به جهادا کبیرا؛ در سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان است: «به» یعنی به قرآن، «جاهدیم به» یعنی به وسیله‌ی قرآن با آن‌ها جهاد کن؛ جهادا کبیرا. این آیه در مکه نازل شده. درست توجه کنند جوانهای عزیز! در مکه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمانها مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آن‌ها می‌کردند کار دیگری بود؛ همان کار دیگر است که خدای متعال در این آیه‌ی شریفه می‌گوید: و جاهدیم به جهادا کبیرا. آن کار دیگر چیست؟ آن کار دیگر، ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت است. فَلَاتَطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جاهدیم به جهادا کبیرا؛ از مشرکین اطاعت نکن. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر. این تقسیم‌بندی غیر از تقسیم‌بندی جهاد اکبر و جهاد اصغر است: جهاد اکبر که از همه سخت‌تر است، جهاد با نفس است، همان چیزی است که هویت ما را، باطن ما را حفظ می‌کند؛ جهاد اصغر، مجاهدت با دشمن است، منتها در بین جهاد اصغر یک جهاد هست که خدای متعال آن را «جهاد کبیر» نام نهاده که آن همین است. «جهاد کبیر» یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه‌ی با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدان‌های مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدان‌های مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد جهاد کبیر» ۱.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین(ع)، ۹۵/۳/۳.

اما سه روز بعد که مجددا رهبر معظم انقلاب بحث جهاد کبیر را در دیدار با رئیس و اعضای دوره پنجم مجلس خبرگان رهبری مورد تاکید قرار دادند، پس از تبیین عدم توفیق دشمنان در طول ۳۸ سال گذشته در حمله سخت و حمله نرم به معنای تحریم و اغواگری، مرحله سوم حمله نرم که نفوذ و تغییر باورها و محاسبات است را مهم دانستند و هدف غایی دشمن را از رویکرد به آن، زمینه سازی برای تهی کردن نظام از عناصر قدرت و وادار کردنش به تبعیت ذکر کرده و در راستای تبیین جهاد کبیر با تفسیر مرجع ضمیر «به» به عدم اطاعه مشتق از ریشه فعل فلا تطع فرمودند:

« اینجا جای همان جهاد کبیری است که من چند روز قبل از این مطرح کردم؛ فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهْ جِهَادًا كَبِيرًا؛ در تفاسیر گفته‌اند مراد از این ضمیر «به»، قرآن است ... بنده هم آنجا همین را در سخنرانی گفتم؛ بعد که آمدم، به ذهنم رسید که یک وجه اوضعی در اینجا وجود دارد که «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهْ»، یعنی «عدم اطاعه»: عدم اطاعه یعنی آن مصدری که فعل از آن انشقاق پیدا [میکند] و مستتر در آن فعل است؛ فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهْ، یعنی به این عدم اطاعه، جِهَادًا كَبِيرًا؛ پس عدم اطاعه شد جهاد کبیر؛ این معنا اقرب به ذهن است؛ حالا من البته فحص نکردم ببینم در بین مفسرین کسانی این احتمال را داده‌اند یا نه، لکن به هر حال این احتمال، احتمال مهمی است. جهاد کبیر یعنی این؛ جهاد برای عدم تبعیت، برای عدم دنباله‌روی از دشمن. پس مسیر و جهت‌گیری این مجلس این است؛ مسیر انقلابی، مسیر انقلابیگری، تعقیب راه انقلاب، تحکیم اسلام، تحکیم دین خدا». ۲.

با این تفسیر در جهاد کبیر، با «باء سببیت» در «به»، وسیله این جهاد مشخص می‌شود که مفسرین، آن را قرآن می‌دانند. بنابراین جهاد کبیر مساوی با عدم تبعیت و اطاعت از دشمنان قسم خورده نظام و انقلاب که چیزی جزء تغییر ایدئولوژی اسلامی و عقب نشینی از اصول انقلابی آنها را راضی نمی‌کند.

تمایز علت دشمنی با بهانه‌های دشمنی

یکی از مهمترین آیاتی که در این باره می‌توان به آن استناد کرد و مبانی سیاست اسلامی نظام ما را تشکیل می‌دهد، آیه ۱۲۰ سوره بقره است که می‌فرماید: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ آتِبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ». ای پیامبر! هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد تا (آنکه تسلیم خواسته آنان شوی و) از آئین آنان پیروی کنی. بگو: هدایت تنها هدایت الهی است، و اگر از هوی و هوسهای آنها پیروی کنی، بعد از آنکه علم (وحی الهی) نزد تو آمد، هیچ سرور و یآوری از ناحیه خداوند برای تو نخواهد بود.

شان نزول این آیه به تغییر قبله برمی‌گردد که ناراحتی یهود از مسلمانان بیشتر شد و احیاناً بعضی از مسلمان‌های ضعیف‌الایمان نیز تمایل داشتند قبله همان بیت‌المقدس باشد تا بتوانند با یهود در الفت و دوستی زندگی کنند، غافل از اینکه رضایت اهل کتاب با حفظ آن حاصل نمی‌شد و انتظار آنان، پیروی از تمام آیین آنها و نه فقط قبله آنان بود.

این آیه در عین این که خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، خطاب به همه مسلمانان در طول تاریخ نیز هست که هرگز یهود و نصاری از شما راضی نخواهند شد، مگر آنکه تسلیم بی‌چون و چرای آنان شوید و از اصول و ارزشهای الهی کناره بگیرید. ولی شما باید با قاطعیت دست رد به سینه‌ی آنها بزنید و بدانید تنها راه سعادت، راه وحی است نه پیروی از تمایلات این و آن.^۳

نکته مهمی که در اثر تامل و توجه به معنای این آیه به ذهن می‌رسد، این است که بین فهم و ادراک علت دشمنی دشمنان با بهانه‌های دشمنی دشمنان باید تفاوت و تمایز قائل شد. به عنوان مثال در این آیه علت دشمنی یهود و نصاری دین اسلام و عدم تبعیت از آیین و قدرت آنها قید شده است. اما ممکن است بهانه‌های دشمنی به گونه‌های دیگری مطرح شود و علت اصلی پنهان باشد. بهانه کفار و دشمنان اسلام روزی تغییر قبله است، روزی روحیه انقلابی و ماندگاری بر سر حفظ و صیانت از میراث امام و خط امام است و روزی مسائل هسته‌ای، حقوق بشری، تروریسم و ... اما این‌ها تنها بهانه‌های دشمنی است و علت اصلی همان اسلام و انقلاب اسلامی و عدم تبعیت از دشمنان است به خاطر این که اسلام به مسلمانان دستور مقابله و عدم اطاعت و تبعیت می‌دهد.

در همین راستا، امام خامنه‌ای در پاسخ به بهانه تراشی‌های غربی‌ها، در مورد علت اصلی دشمنی استکبار با نظام اسلامی خاطر نشان کردند؛ علت اصلی همه این دشمنی‌ها و بهانه‌تراشی‌ها، تبعیت نکردن از استکبار است؛ زیرا اگر ملت ایران حاضر به تبعیت بود، قطعاً با قدرت موشکی و انرژی هسته‌ای کنار می‌آمدند و هیچ‌گاه نامی از حقوق بشر نیز به میان نمی‌آوردند: «آمریکایی‌ها تلاش زیادی می‌کنند تا علت اصلی این دشمنی را بر زبان نیاورند اما گاهی نیز در اظهارات شان این مسئله فاش می‌شود، همچنانکه چند روز پیش یک مسئول امریکایی بعد از تکرار اتهامات همیشگی بر ضد ایران، ناخواسته به موضوع «ایدئولوژی» یعنی همان تفکر اسلامی اشاره کرد که موجب می‌شود ملت ایران زیر بار حرف زور جبهه کفر و استکبار نرود».^۴

فرمول طلایی که از این قاعده اسلامی به دست می‌آید؛ دو نکته اساسی است که اولاً، مسلمانان با دشمنان از حیث ایدئولوژیک در دو سوی جبهه قرار دارند و تباین بنیادین بینشان حاکم است و تنها در صورتی از هم راضی می‌شوند و باهم کنار می‌آیند که یکی از طرفین دست از ایدئولوژی خود برداشته باشد. ثانیاً اگر در فهم علت اصلی دشمنی با بهانه‌های دشمنی دشمنان تمایز قائل نباشیم، در عملکردها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و بین‌المللی دچار اشتباه محاسباتی می‌شویم و تمام اهتمام و تلاش خود را مصروف دفع و رفع و رجوع مساله و امری می‌کنیم که تنها بهانه‌ای بیش نبوده و اگر آن را حل کنیم و بر سر حل آن مثل

۳. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۹۳.

۴. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع)، ۹۵/۳/۳.

مساله هسته ای از اصول مان کوتاه بیاییم، این بهانه ها تکرار خواهد شد. فهم این موضوع و مقاومت مومنانه و از سر بصیرت و هوشمندی جهاد کبیری است که قرآن می فرماید.

مسلماء عرصه های درگیری با دشمن محدود به جبهه سخت افزارانه نیست این که این آیه در مکه نازل شده است و می دانیم آیات مکی بیشتر به اصل دین و استقرار بنیادهای ایمانی و دینی مسلمانان و استحکام آنها نظر دارد حائز اهمیت می شود. در واقع، اگر بنیان فکری تازه مسلمانان مکه در مقابل اغواگری ها و استدلالهای منحرف کننده با پادزهر ایمان و تبیین حقایق از سوی پیامبر استوار و مستقر نشده بود، توان ایستادگی و مقاومت در برابر طیفی از تهدیدات، تطمیعات، تخریبات و تحریفات ایجاد نمی شد؛ زیرا همان طور که می دانید پس از به قدرت رسیدن مسلمانان، کفار مکه به طرق مختلف به دنبال آن بودند که پیامبر خدا و مسلمانان را به تبعیت از خود وادار کنند.